

A Review of the Book

Abu al-Ala al-Maarri in the Critique of Comparative Literature

Ali Asghar Ravanshad*

Abstract

The book "Abu al-Ala al-Maarri in the Critique of comparative literature" is the work of Narjes Tawhidifar, a contemporary Iranian author. In this comparative work, the author examines the thought of Abu al-Ala Maari and its application to the thoughts of Epicurus, Schopenhauer, Nietzsche, Dante, and Sadegh Hedayat. The purpose of this paper, which is written in a descriptive-analytical method, is to critique the various aspects of the book's form and content. The results of the research indicate that the author has written her work in a smooth and fluent pen and using a scientific and logical language. She has provided valuable material to the audience and provided good and useful analysis. The expression of the similarities and differences between the ideas of the characters in the book has added to its position and importance, especially on the research aspect of the work and It, in turn, has adapted it to the needs of contemporary scientific and literary society. On the other hand, there are some writing, editing, and content failures in this book that can add value to their value and usefulness.

Keywords: Critical Analysis, Comparative Literature, Abu al-Ala al-Maarri, Narjes Tawhidifar.

* Assistant Professor of Arabic Language and Literature Yazd University, Yazd, Iran,
ravanshada@yazd.ac.ir

Date received: 2020-04-15, Date of acceptance: 2020-08-28

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و بررسی کتاب ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی

علی اصغر روان‌شاد*

چکیده

کتاب *ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی* اثر نرجس توحیدی‌فر، نویسنده معاصر ایرانی، است. مؤلف در این اثر تطبیقی به بررسی اندیشه ابوالعلاء معری و تطبیق آن با افکار اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت می‌پردازد. هدف این مقاله، که با روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده، نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که نویسنده اثر خود را با قلمی سلیس و روان و با بهره‌گیری از یک زبان علمی و منطقی به رشته تحریر درآورده است. وی مطالب باارزشی را در اختیار مخاطب قرار داده و به ارائه تحلیل‌های خوب و سودمندی اقدام کرده است. بیان وجوه تشابه و تفاوت بین اندیشه‌های شخصیت‌های مطرح‌شده در کتاب بر جایگاه و اهمیت آن، به‌ویژه بر جنبه پژوهشی اثر، افزوده و آن را به‌نوبه خود متناسب با نیازهای جامعه علمی و ادبی معاصر قرار داده است. ازسوی دیگر، برخی از نارسایی‌های نگارشی، ویرایشی، و محتوایی در این کتاب دیده می‌شود که رفع این موارد می‌تواند بر ارزش و سودمندی آن بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: تحلیل انتقادی، ادبیات تطبیقی، ابوالعلاء معری.

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی دانشی جدید، جالب، و سودمند است که به بررسی روابط بین ادبیات ملت‌های مختلف می‌پردازد و تبادل اندیشه‌ها و جنبه‌های تأثیر و تأثر بین ادبیات آن ملت‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهد. پژوهش‌گران این دانش را چنین تعریف کرده‌اند: ادبیات تطبیقی تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است. محقق ادبیات تطبیقی مانند کسی است که در مرزهای

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، ravanshada@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

زبان ملی می‌ایستد تا از این طریق تمام روابط و دادوستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند (غویار ۱۹۵۶: ۵). برخی دیگر گفته‌اند: ادبیات تطبیقی یعنی بررسی ادبیات در آن سوی مرزهای یک کشور و بررسی رابطه ادبیات با دیگر حوزه‌های دانش؛ از جمله هنر، تاریخ، فلسفه، علوم اجتماعی، و ادیان (الخطیب ۱۹۹۹: ۵۰).

یکی از آثاری که درباره ادبیات تطبیقی به رشته تحریر درآمده کتاب *ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی* تألیف نرجس توحیدی‌فر، نویسنده معاصر ایرانی، است که به‌نوبه خود اثری باارزش و سودمند در این زمینه به‌شمار می‌آید. کتاب حاضر به تطبیق اندیشه‌های معری^۱ با افکار اپیکور^۲، شوپنهاور^۳، نیچه^۴، دانته^۵، و صادق هدایت^۶ اقدام کرده است. نگارنده این مقاله قصد دارد به نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب بپردازد تا بتواند با هم‌فکری و تبادل اندیشه با نویسنده اثر در زمینه ادبیات تطبیقی به‌صورت عام و درباره افکار معری به‌صورت خاص گام بردارد؛ زیرا «یکی از مهم‌ترین اهداف نقد تبادل اندیشه و نیز کمک به نویسنده برای تصحیح خطاهایش است» (سلطانی ۱۳۸۸: ۴). بر این اساس، پژوهش حاضر، درکنار نقد و بررسی ویژگی‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب، پیش‌نهادها و راه‌کارهایی نیز برای تقویت آن ارائه می‌دهد.

۱.۱ ضرورت، اهمیت، و هدف پژوهش

نظر به اهمیت، ارزش، و فواید بسیار ادبیات تطبیقی و باتوجه‌به جایگاه برجسته ابوالعلاء معری در ادبیات عربی و اهمیت شناخت اندیشه وی ضرورت دارد کتاب *ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی*، تألیف نرجس توحیدی‌فر، که اثری سودمند در زمینه ادبیات تطبیقی به‌ویژه بررسی اندیشه معری و تطبیق آن با اندیشه‌های متفکران بزرگ جهان است، نقد و بررسی شود. بنابراین، باتوجه‌به این امر که «نقد شایسته و منصفانه آن است که درکنار نواقص و ناروایی‌ها نقاط قوت اثر نیز بررسی شود» (سیاوشی ۱۳۹۱: ۵۸)، هدف از انجام این پژوهش نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب و بیان ویژگی‌های مثبت و کاستی‌های اثر و ارائه پیش‌نهادهایی برای تقویت آن است.

۲.۱ پیشینه پژوهش

تاجایی که نویسنده این سطور اطلاع دارد تاکنون پژوهشی که به نقد و بررسی کتاب *ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی* بپردازد انجام نشده و این تحقیق به‌نوبه خود اولین پژوهش در این زمینه است.

۳.۱ پرسش های پژوهش

۱. مزیت ها و اشکالات شکلی و محتوایی کتاب *ابوالعلاء معری در بوتۀ نقد ادب تطبیقی* چیست؟
۳. این اثر تا چه میزان با سرفصل های مصوب وزارت علوم مطابقت دارد؟

۴.۱ روش پژوهش

در این پژوهش، کتاب *ابوالعلاء معری در بوتۀ نقد ادب تطبیقی* با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تحلیل انتقادی ارزیابی و نقد شده است. نقد و بررسی این اثر به درخواست شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری و چهارچوب نقدی موردنظر آن شورا صورت گرفته است.

۲. بحث

۱.۲ معرفی مؤلف

آنچه در نقد اثر مفید و مرسوم است آوردن پیشینه علمی و ادبی نویسنده آن است. این پیشینه باید به صورت اجمالی و بدون حب و بغض آورده شود (کتاب *نقد و نقد کتاب* ۱۳۸۶: ۲۰). بر این اساس، در پژوهش حاضر نویسنده کتاب *ابوالعلاء معری در بوتۀ نقد ادب تطبیقی* معرفی می شود. این اثر را نرجس توحیدی فر، نویسنده معاصر، تألیف کرده است. وی مدیر داخلی برخی از مجلات علمی از جمله *فصل نامه ادبیات تطبیقی*، *فصل نامه دراسات الأدب المعاصر*، و *فصل نامه مطالعات قرآنی* است. این مؤلف کتاب های دیگری نیز تألیف یا ترجمه کرده است، از جمله *خوانشی نواز تمهیدات عین القضاة همدانی* (۱۳۹۴)، *خوانشی نواز مناقب العارفین* (۱۳۹۶)، *خوانشی نواز عبهر العاشقین روزبهان بقلی شیرازی* (۱۳۹۷)، و *با ابوالعلاء در زندانش* (۱۳۹۷). علاوه بر این، مقالات علمی متعددی از این نویسنده در دسترس است.

۲.۲ معرفی اثر

کتاب *ابوالعلاء معری در بوتۀ نقد ادب تطبیقی* تألیف نرجس توحیدی فر است. انتشارات شفیع تهران چاپ دوم آن را، که نسخه موردنظر در این مقاله است، در سال ۱۳۹۶ منتشر کرد. نویسنده در این کتاب به بررسی اندیشه ابوالعلاء معری و تطبیق آن با افکار اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت اقدام کرده است.

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول بدون عنوان آمده و شامل دو بخش است. بخش اول دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی عصر معری و بخش دوم دربارهٔ ولادت، بیماری و نابینایی، سفرهای معری، وفات، و تألیفات وی است. فصل دوم با عنوان «فلسفهٔ علایی؛ از کجا و به سوی کجا؟» شامل چهار بخش است. در بخش اول، فلسفه و رابطهٔ آن با ادبیات بررسی شده است. بخش دوم به صورت یک سؤال مطرح شده که آیا ابوالعلاء معری فیلسوف است؟ بخش سوم آشنخوره‌های فلسفهٔ ابوالعلاء را بررسی می‌کند. بخش چهارم نیز، مانند بخش دوم، عنوانی به صورت یک سؤال دارد که آیا ابوالعلاء بدبین است؟

فصل سوم با عنوان «تحلیل و بررسی دیوان لزوم ما لا یلزم» در شش بخش آمده است. بخش اول تحلیل و بررسی دیوان «لزوم ما لا یلزم»؛ بخش دوم، ابوالعلاء و اعتقادات دینی او در دیوان لزومیات؛ بخش سوم، دیدگاه ابوالعلاء دربارهٔ ایمان به خدا؛ بخش چهارم دیدگاه او دربارهٔ معاد؛ بخش پنجم، دیدگاه معری دربارهٔ مذهب فاطمی؛ و بخش ششم، دیدگاه معری دربارهٔ سایر مذاهب (اسلامی و غیراسلامی) است.

فصل چهارم با عنوان «فلسفهٔ عملی زندگی ابوالعلاء معری» در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول، زهد ابوالعلاء؛ بخش دوم، زن در زندگی ابوالعلاء؛ بخش سوم، بقای نسل؛ و بخش چهارم، هم‌عصران ابوالعلاء درباره‌اش چه می‌گویند؟

فصل پنجم با عنوان «تطبیق اندیشهٔ ابوالعلاء و اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانتِه، و صادق هدایت» شامل چهار بخش می‌شود؛ بخش اول، زهد علایی و زهد اپیکوری؛ بخش دوم، عشق به نیستی (سنجش آرای معری و شوپنهاور، فیلسوف آگزیستانسیالیست)؛ بخش سوم، عقل، ارادهٔ قدرت و خلق ابرانسان؛ و بخش چهارم، سفر به عالم ارواح.

۳.۲ تحلیل و ارزیابی شکلی اثر

۱.۳.۲ طرح جلد

طرح جلد کتاب، به عنوان معرف اولیهٔ محتوای آن، از اهمیت زیادی برخوردار است. «عنوان و طرح جلد کتاب از جملهٔ اولین و مهم‌ترین عوامل در تأثیرگذاری اولیه و جذب مخاطب برای خواندن کتاب هستند که می‌توانند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب خاص یا دافعه جهت عدم توجه به یک کتاب را در بر داشته باشند» (اکبری‌تبار ۱۳۹۱: ۱۲۹). با

نگاه اولیه درمی‌یابیم که طرح جلد کتاب حاضر خوب و چشم‌نواز است. برای نوشته‌های روی جلد از رنگ‌های سیاه، سفید، قرمز، و سبز در یک زمینه روشن استفاده شده است. نگارش «ابوالعلاء معری» به صورت برجسته و بزرگ و «در بوتۀ نقد ادب تطبیقی» با اندازه کوچک و «تطبیق اندیشه ابوالعلاء، اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت» به صورت کوچک‌تر انجام گرفته است. تنوع رنگ‌ها و تعدد و اندازه خطوط به کارگرفته شده برای مشخصات روی جلد اثر می‌تواند بیان‌گر تنوع و تعدد فصل‌ها و محتوای کتاب باشد. این تنوع با موضوع اصلی کتاب، که ادبیات تطبیقی و روابط بین‌المللی ادبیات است، تناسب دارد. علاوه بر این، اندازه خطوط روی جلد می‌تواند با اندازه و حجم فصل‌های کتاب و محتوای آن متناسب باشد؛ زیرا بیش‌تر فصل‌ها و مطالب اثر درباره عصر، زندگی، فلسفه، اعتقادات، و بیان دیدگاه‌های ابوالعلاء معری و قسمت کم‌تری از آن به تطبیق اندیشه وی با اندیشه‌های سایر متفکران اختصاص دارد. پشت جلد کتاب نیز بخش‌های کوتاهی از تقریض‌های سه نفر از استادان آمده که درباره محتوای کتاب و ارزش کار مؤلف است.

۲.۳.۲ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و صحافی

حروف‌نگاری کتاب واضح و خواناست. در سرصفحه‌های سمت راست، عنوان کتاب و در سرصفحه‌های سمت چپ، در بخش تقریض‌ها، کلمه تقریض آمده است و غیر از فصل اول، که بالای آن فقط «فصل اول» نوشته شده است، سایر فصل‌ها، پس از شماره فصل، عنوان فصل نیز دارند. عناوین اصلی و فرعی در مقایسه با متن اصلی کتاب دارای حروف ضخیم‌تری است. در این اثر، فرورفتگی سر پاراگراف‌ها، برجسته‌کردن عناوین درون‌متنی، و فاصله مناسب بین سطرهای مختلف کتاب رعایت شده است و هر عنوان نیز با سطر قبل از خود فاصله مناسب دارد. سرانجام این که کتاب مورد بحث کاغذ باکیفیتی دارد و از صحافی خوب و قابل‌قبولی بهره می‌برد.

۳.۳.۲ میزان رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی

ضرورت دارد نویسندگان در آثار خود، به‌ویژه در متون علمی و ادبی، به رعایت علائم نگارشی پای‌بند باشند؛ زیرا مطالب این متون «به ابزار محکم‌تر، روشن‌تر، و کامل‌تری نیاز دارد و به‌علت تفاوت با زبان عامیانه و زبان اداری و روزنامه‌ای به دقت بیش‌تری نیازمند است» (غلامحسین زاده ۱۳۹۰: ۱). نویسنده این اثر در استفاده درست از علائم نگارشی

تلاش کرده است، ولی در بعضی از مواقع شاهد ایراداتی اندک در این زمینه هستیم، برای نمونه در دو صفحه ۱۶۸ و ۲۳۱ گیومه باز شده است، ولی پایان آن مشخص نیست و صفحه ۱۹۱ سطر سوم و بیست و یکم به ویرگول نیاز دارد.

از نظر حرکت گذاری اشعار نیز باید گفته شود که در کل این مهم رعایت شده است، اما در بعضی از موارد شاهد عدم حرکت گذاری بسیاری از کلمات ابیات شعری هستیم؛ از جمله ابیات صفحه ۱۶۸.

علاوه بر این، در فهرست اعلام، صفحات نوشته شده برای برخی از اعلام به بازبینی نیاز دارد؛ از جمله صفحات مربوط به اپیکور که باید علاوه بر صفحات قبلی صفحات ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۵، و ۱۷۶ نیز اضافه شود. یا این که برخی از اعلام در متن کتاب و در فهرست اعلام به یک صورت نیامده که لازم است به صورت صحیح و یک دست بیاید؛ از جمله «بئاتریس پورتیناری» که در صفحه ۲۱۷ به صورت «بئاتریس پور تیاری» و در صفحه ۲۲۸ بخش اول آن «بئاتریس» و در فهرست اعلام صفحه ۲۳۴ بخش اول آن به صورت «بئاتریس» آمده است و «دیونیزوس» که در پاراگراف دوم صفحه ۱۹۹ به صورت «دیونیزوس» و «دیو نیروس» و در فهرست اعلام صفحه ۲۳۵ به صورت «دیونیزوس» آمده است.

برخی دیگر از ایرادات در این زمینه عبارت است از این که در سطر دهم از صفحه ۳۰ کلمه «نفوذ» به صورت «تفوذ» آمده و در بیت دوم از صفحه ۱۱۲ «الحوض الرّوی»، به جای منصوب، به صورت مرفوع ذکر شده است.

۴.۳.۲ رعایت اصول علمی ارجاع دهی

با بررسی کتاب مورد بحث می بینیم که نویسنده برای بررسی یک موضوع از دو شیوه نقل مستقیم و نقل غیرمستقیم بهره برده است. وی ارجاعات داخلی اثر را در پانویشت آورده است، اما خیلی کم شاهد ارجاعات درون متنی نیز هستیم؛ مانند صفحه ۱۶۷ که ضرورت دارد همه ارجاعات به صورت یک دست بیاید.

از سوی دیگر، پیش نهاد می شود که (در صورت نیاز) برای توضیحات ذکر شده در پانویشت منبع آن نیز ذکر شود؛ زیرا براساس گفته صاحب نظران، در صورتی که توضیحات پانویشت نقل قول مستقیم یا نقل قول آزاد یا خلاصه برداری از نوشته های دیگران است یا توضیحات یاد شده بیان اندیشه ها یا اطلاعات یا داده های علمی اشخاص دیگری است ارجاع به منبع علمی ضروری است (ملک ثابت ۱۳۹۰: ۲۱۱-۲۱۲).

علاوه بر این، برای بعضی از منابع ذکر شده در پانویس به جای آوردن کلمه «همان» اسم منبع مورد استفاده برای دفعات بعد نیز ذکر شده است؛ مانند صفحات ۱۰۲، ۱۱۲، و ۱۰۷ که پیش نهاد می شود در چاپ های بعدی اثر اصلاح شود.

۴.۲ تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

۱.۴.۲ میزان مطابقت اثر با سرفصل های مصوب

باتوجه به این که رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری تخصصی دارد و نیز نظر به این که اثر حاضر از این ظرفیت برخوردار است که با سرفصل های این سه مقطع تطبیق داده شود، بنابراین، مطالب عنوان بالا در سه بخش زیر بررسی می شود.

۱.۱.۴.۲ مقطع کارشناسی

۱. ادبیات تطبیقی: بخشی زیادی از اهداف این درس بررسی روابط میان ادبیات عربی و ادبیات سایر ملل و تبیین ارتباط میان ادبیات عربی و ادبیات فارسی است. در سرفصل آن نیز، پیوندهای ادبی، مقایسه میان ادبیات فارسی و ادبیات عربی و تأثیر هر کدام بر دیگری، مقایسه میان ادبیات عربی و ادبیات غرب و تأثیر هر کدام بر دیگری، و تأثیر نظرات ادیبان مسلمان بر ادبیات غرب آمده است؛ بنابراین، کتاب مورد بحث با بخشی از سرفصل این درس مطابقت دارد و می تواند به عنوان یک منبع فرعی و کمکی استفاده شود (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری ۱۳۸۹: ۵۷).

۲. تاریخ ادبیات عباسی (۲) و اندلس: نیمی از هدف این درس آشنایی با عصر عباسی دوم است. در بخشی از سرفصل آن نیز گفته شده است که شاعران بزرگ این دوره مورد تحلیل قرار گیرند. پس، اثر حاضر با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می تواند به عنوان یک منبع فرعی و کمکی در مورد زندگی و شعر معری استفاده شود (همان: ۴۶).

۳. متون نظم دوره عباسی (۲): هدف این درس شناخت متون نظم این دوره و توانایی در فهم، تحلیل، و ترجمه آن است. در سرفصل آن نیز فهم، تحلیل، و بررسی گزیده ای از اشعار شاعران این دوره از جمله ابوالعلاء معری آمده است. پس، کتاب مورد بحث با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می تواند به عنوان یک منبع فرعی و کمکی در مورد اشعار معری استفاده شود (همان: ۴۵).

۲.۱.۴.۲ مقطع کارشناسی ارشد

۱. ادبیات تطبیقی: بخشی از اهداف این درس کسب مهارت در انجام پژوهش‌های تطبیقی است. در سرفصل آن نیز، نقش و جایگاه ادبیات عربی، میزان تبادل ادبی آن با ادبیات ملل دیگر، و ارائه پژوهش‌های تطبیقی با تکیه بر زبان و ادبیات عربی آمده است؛ بنابراین، اثر کنونی با بخشی از سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی استفاده شود (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری ۱۳۹۶: ۳۲).

۲. تحلیل و نقد شعر دوره عباسی: هدف این درس آشنایی با رویکردها و جریان‌های مهم فکری - ادبی شعر در عصر عباسی و کسب مهارت در فهم و تحلیل انواع متون شعری این دوره است. در سرفصل آن نیز معرفی شاعران جریان‌ساز این دوره از جمله ابوالعلاء معری، ارائه نمونه‌هایی از شعر عباسی همراه با تحلیل و نقد آن، و بررسی انواع شعر این دوره از قبیل شعر فلسفی و حکمی آمده است. پس، این کتاب با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی در مورد اشعار معری مورد استفاده واقع شود (همان: ۲۳).

۳. شاه‌کارهای ادبی جهان: بخش عمده‌ای از اهداف این درس آشنایی با ادبیات و تاریخ ادبیات ملل مختلف جهان از جمله اروپا و آشنایی با مشاهیر ادبی جهان است. در سرفصل آن نیز آشنایی با ادبیات و تاریخ ادبیات اروپا و آشنایی با مشاهیر ادبی جهان آمده است؛ بنابراین، اثر مورد بحث با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی برای آشنایی با افکار ادیبان و اندیشمندان جهان مورد استفاده واقع شود (همان: ۴۴).

۳.۱.۴.۲ مقطع دکتری

۱. شعر عربی از آغاز تا دوره معاصر: نیمی از اهداف این درس بررسی و نقد اشعار شعرای مشهور این دوره‌ها، از جمله دوره عباسی، است. در سرفصل آن نیز نقد و بررسی نمونه‌هایی از اشعار شعرای معروف این دوره‌ها از جمله ابوالعلاء معری آمده است. پس، کتاب حاضر با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی در مورد اشعار معری استفاده شود (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری ۱۳۹۴: ۱۹).

۲. ادبیات تطبیقی: کتاب مورد بحث با بخشی از سرفصل این درس که نقد تطبیقی نمونه‌های ادبی است مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی در این زمینه استفاده شود (همان: ۳۳).

۲.۴.۲ میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست

درباره انطباق محتوای کتاب مورد بحث با عنوان و فهرست آن باید گفته شود که این انطباق رعایت شده است. در عنوان روی جلد کتاب، نگارش «ابوالعلاء معری» به صورت بزرگ و برجسته و «در بوتۀ نقد ادب تطبیقی» با اندازه کوچک، بیانگر میزان پرداختن نویسنده به این دو بخش از مطالب کتاب است؛ بدین صورت که وی بخش بیش تری از مطالب کتاب (چهار فصل در ۱۴۴ صفحه) را به ابوالعلاء معری اختصاص داده است و در آن از زمانه، زندگی، فلسفۀ علائی، فلسفۀ عملی زندگی معری، دیوان لزوم ما لایلزم، اعتقادات دینی، و نیز دیدگاه‌های وی درباره ایمان به خدا، معاد، ادیان، و مذاهب سخن به میان آورده است و در بخش کم تری (یک فصل در ۶۳ صفحه)، به تطبیق اندیشه معری با افکار سایر اندیشمندان جهان از جمله اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانتِه، و صادق هدایت پرداخته است.

۳.۴.۲ میزان استفاده از ابزارهای علمی

باتوجه به این که اثر حاضر در اصل با هدف آموزشی تألیف نشده است دارای ابزارهایی از جمله تمرین، نمودار، جدول، و تصویر نیست، ولی دارای برخی دیگر از ابزارهای علمی از جمله فهرست، مقدمه، تقریض، پیش‌گفتار، خاتمه، و پانویس است که این موارد در زیر بررسی می‌شود.

۱.۳.۴.۲ فهرست

کتاب حاضر دارای چهار فهرست است که در ادامه این ابزار علمی بررسی می‌شود. اولین فهرست، بنا به اقتضای پژوهش، به مطالب کتاب اختصاص دارد که فهرستی خوب و قابل قبول است. در واقع، این فهرست شش صفحه‌ای عناوین اصلی و فرعی مطالب اثر را در خود جای داده است و از این نظر فهرست کتاب دارای تفصیل است و ابهام ندارد. همه فصل‌های اثر به جز فصل اول عنوان دارد. سزاوار است نویسنده محترم برای این فصل، هم در فهرست مطالب و هم در متن کتاب، یک عنوان مناسب انتخاب کند که دو بخش زیرمجموعه خود را تحت پوشش قرار دهد؛ مثلاً «زمانه و زندگی معری». علاوه بر این، لازم است برای فصل دوم و بخش دوم و بخش چهارم همین فصل و نیز بخش چهارم از فصل چهارم عنوان‌هایی غیرسؤالی هم در فهرست مطالب و هم در متن کتاب بیاید تا با سایر عنوان‌ها هماهنگ شود.

از سوی دیگر، در فهرست کتاب، هم از حروف و هم از اعداد استفاده شده است. عناوین فصل‌ها نیز در مقایسه با عناوین بخش‌ها بزرگ‌تر و به صورت برجسته‌تر آمده است. استفاده از حروف و اعداد و تیره کردن عناوین اصلی به وضوح فهرست کمک کرده است. این کتاب، علاوه بر فهرست مطالب، سه فهرست دیگر دارد. یک فهرست برای منابع استفاده شده در اثر، یک فهرست برای اعلام کتاب، و فهرست آخر برای ابیات موجود در اثر که این فهرست‌ها استفاده از کتاب و خواندن و فهم آن را آسان می‌کند. البته، درباره فهرست اعلام باید گفته شود که بعضی از اعلام موجود در متن کتاب در فهرست اعلام نیامده است؛ از جمله «یاقوت حموی» در صفحه ۱۹۳. بنابراین، این فهرست به بازبینی نیاز دارد. سرانجام باید گفته شود که اثر حاضر از فهرست آیات قرآنی نیز خالی است.

۲.۳.۴.۲ مقدمه

در ابتدای کتاب، مقدمه آن در دو صفحه آمده است که صفحه اول سؤالات و توضیحاتی از سوی نویسنده است. در صفحه دوم نیز تشکر و قدردانی از استادانی است که تقریض‌هایی بر این کتاب نوشته‌اند. علاوه بر این، در این صفحه، معرفی کوتاهی درباره این استادان آمده است. در پایان مقدمه نیز نویسنده از خانواده خود تشکر و قدردانی کرده است. محققان در تعریف مقدمه چنین گفته‌اند: «مقدمه شامل شرحی اجمالی درباره مسئله بررسی شده، حدود، ارزش، و کاستی‌های پژوهش‌هایی که پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته و نیز روش‌ها، ملاک‌ها، و مفهوم‌های تازه‌ای است که در پژوهش به کار رفته است (حیدری ۱۳۸۰: ۸۰). بر این اساس، پیش‌نهاد می‌شود نویسنده کتاب در مقدمه آن به توضیح درباره کتاب، محتوا و فصل‌های آن، هدف از نگارش اثر، سؤالات یا فرضیه‌ها، حدود و چهارچوب پژوهش، روش پژوهش، مکتب ادبیات تطبیقی مورد استفاده در پژوهش، اشاره به مهم‌ترین منابع، و اشاره به مشکلات پیش‌روی پژوهش داشته باشد. این موارد می‌تواند بر غنای مقدمه بیفزاید.

۳.۳.۴.۲ تقریض

پس از مقدمه نویسنده، سه تقریض در دوازده صفحه از سوی سه استاد صاحب‌نظر نوشته شده است که درباره مطالب و محتوای کتاب از جمله ادبیات تطبیقی، ارتباط بین شعرای ایرانی و عرب، اندیشه‌های ابوالعلاء معری، و اهمیت کار نویسنده کتاب است.

این تقریض‌ها به نوعی کوتاهی مقدمه کتاب را جبران کرده‌اند و شاید به دلیل وجود همین تقریض‌ها بوده که نویسنده مقدمه اثر را به صورت کوتاه و مختصر آورده است.

۴.۳.۴.۲ پیش گفتار

نویسنده کتاب با شروع هر فصل از فصل‌های کتاب بخش کوتاهی را با عنوان پیش گفتار می‌آورد که در آن ذهن مخاطب را با مطالب آن فصل آشنا می‌کند. پس از آن، به ارائه مطالب فصل مورد نظر می‌پردازد. آوردن پیش گفتار برای همه فصل‌ها به جز فصل اول رعایت شده است. در فهرست مطالب و در متن کتاب، پیش گفتار فصل سوم دارای عنوان است، ولی سایر پیش گفتارها بدون عنوان آمده است. این عنوان در فهرست مطالب پس از ذکر کلمه پیش گفتار در بین پرانتز قرار گرفته ولی در متن کتاب بدون پرانتز آمده است. بر این اساس، ضرورت دارد برای فصل اول نیز مانند سایر فصل‌ها پیش گفتار بیاید و همه پیش گفتارها بیرون از پرانتز و بدون عنوان خاصی باشد و به کلمه پیش گفتار اکتفا شود.

علاوه بر فصل‌ها، بعضی از بخش‌های کتاب نیز عنوان پیش گفتار دارد که مطالبی در زیر آن آمده است؛ از جمله بخش سوم و چهارم از فصل پنجم. اما برای بخش اول از فصل اول بدون عنوان پیش گفتار مطالبی آورده شده است. آوردن چنین مطالبی قبل از شروع هر بخش و آماده کردن ذهن مخاطب با محتوای بخش مفید است. بنابراین، ضرورت دارد که در آوردن چنین عنوانی و مطالب آن به صورت هماهنگ عمل شود.

۵.۳.۴.۲ خاتمه

نویسنده کتاب در پایان بعضی از فصل‌ها یک جمع‌بندی با عنوان «ارزیابی» یا «خاتمه» به این صورت می‌آورد: فصل اول با عنوان «ارزیابی»، فصل دوم با عنوان «خاتمه فصل با گفتاری درباره عقل»، و فصل سوم با عنوان «خاتمه». اما دو فصل چهارم و پنجم چنین عنوان‌هایی ندارند. در پایان کتاب نیز یک جمع‌بندی نهایی با عنوان «سخن آخر در پایان کتاب» آورده شده است. آوردن یک یا چند صفحه با یکی از عنوان‌های «جمع‌بندی نهایی»، «خاتمه»، «ارزیابی»، و «نتیجه» در پایان هر فصل از کتاب یا در پایان کتاب ارزشمند است؛ بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که برای همه فصل‌های کتاب مطالبی با یکی از عنوان‌های بالا آورده شود (به صورت هماهنگ) و در آخر کتاب نیز چنین عنوان و مطالبی به صورت مفصل‌تر بیاید یا این که برای جلوگیری از تکرار به آوردن یکی از این عناوین ذکر شده و مطالب آن فقط در پایان کتاب بسنده شود.

علاوه بر این، در پایان بخش اول از فصل اول، مطالب کوتاهی با عنوان «نتیجه» آورده شده است. از میان بخش‌های مختلف کتاب، فقط همین بخش است که چنین عنوانی دارد که بهتر است این عنوان و مطالبش نیز حذف شود تا با سایر بخش‌ها هماهنگ شود.

۶.۳.۴.۲ پانوشت

یکی دیگر از ابزارهای لازم در این کتاب استفاده از پانوشت است که در آن به شرح برخی از واژه‌های دشوار متن اقدام می‌شود؛ مانند پانوشت صفحه ۵۲. معرفی منابع یکی دیگر از کاربردهای رایج پانوشت در این اثر است؛ مانند پانوشت‌های صفحات ۲۷، ۷۷، و ۲۱۹. علاوه بر این، در پانوشت، برخی از نکات توضیحی و تکمیلی آورده می‌شود که ذکر این نکات به فهم مطالب متن کمک می‌کند؛ مانند پانوشت صفحه ۶۳.

هم‌چنین در متن کتاب، بعضی از توضیحات مفید در بین پراکنش می‌آید؛ از جمله سال تولد و وفات بعضی از شخصیت‌ها؛ مانند صفحه ۱۹۳ و توضیح درباره «آپولون» و «دیونیزوس» در صفحه ۲۰۶ که پیش‌نهاد می‌شود غیر از توضیحات کوتاهی که یک یا دو کلمه است سایر توضیحات در پانوشت بیاید و در صورتی که توضیحات یادشده در حکم دانش عمومی نیست و به ذکر منبع نیاز دارد منبع آن نیز ذکر شود.

۴.۴.۲ میزان پاسخ‌گویی اثر به نیازهای علمی

نویسنده در کتاب خود مطالب جذاب و ارزش‌مندی را در اختیار خواننده قرار داده است؛ به طوری که اثر وی توانسته است، به سهم خود، پاسخ‌گویی نیازهای جامعه علمی و ادبی باشد. با بررسی این کتاب، درمی‌یابیم که یکی از جذاب‌ترین فصل‌های آن فصل پنجم است که نویسنده نیز بر آن تأکید دارد. در واقع، در این فصل شخصیت‌های متعددی در کنار ابوالعلاء معری قرار گرفته‌اند؛ شخصیت‌هایی که هر کدام اندیشه و پیام قابل توجهی دارند و اندیشه‌های آنان از چنان ظرفیتی برخوردار است که توجه پژوهش‌گران ادبیات تطبیقی، از جمله این نویسنده، را به سوی خود جلب کرده است تا دست به قلم ببرد و در این زمینه گام‌های ارزش‌مندی بردارد. در ضمن، نوآوری‌های کتاب نیز بیش‌تر در همین فصل است. این جذابیت‌ها، نوآوری‌ها، و ارائه مطالب سودمند درباره ابعاد مختلف تشابه و تفاوت بین اندیشه‌های شخصیت‌های مورد بحث در کتاب باعث ایجاد انگیزه و رغبت در خواندن مطالب آن و پی‌گیری مباحث از سوی مخاطب می‌شود و بر جایگاه و اهمیت اثر، به ویژه بر جنبه پژوهشی آن، می‌افزاید و کتاب را متناسب با نیازهای جامعه علمی و ادبی معاصر قرار می‌دهد.

۵.۴.۲ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی فصل‌ها و بخش‌های اثر

یکی از امتیازات کتاب مورد بحث این است که فصل‌های آن از مقدماتی به تکمیلی تنظیم و مرتب شده است تا سرانجام به فصل تطبیق اندیشه معری با اندیشه‌های دیگر متفکران می‌رسد. در درون فصل‌ها نیز، مطالب ابتدا به صورت مقدماتی می‌آید، سپس به مطالب تکمیلی و نهایی پایان می‌پذیرد؛ بنابراین، از این نظر، بین فصل‌های مختلف کتاب و نیز در درون هر فصل نظم و انسجام وجود دارد.

حجم فصل‌های کتاب نیز بدین صورت است که فصل اول ۳۴، فصل دوم ۲۸، فصل سوم ۵۰، فصل چهارم ۳۲، و فصل پنجم ۶۳ صفحه دارند؛ بنابراین، فصل‌های اول، دوم، و چهارم با هم و دو فصل سوم و پنجم تقریباً با هم تناسب دارند؛ یعنی فصل سوم حدود یک‌ونیم برابر فصل اول یا دوم یا چهارم است و فصل پنجم حدود دوبرابر این فصل‌ها است. در واقع، فصل پنجم حدود یک‌چهارم از مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، فصل سوم و پنجم با سایر فصل‌ها از نظر حجم تناسب ندارند. شاید ماهیت این دو فصل و تفصیل مباحث باعث شده است که حجم این دو فصل زیاد شود. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که فصل پنجم به دو فصل تقسیم شود تا با سایر فصل‌ها تناسب داشته باشد و اگر قصد بر این باشد که بین فصل سوم و سایر فصل‌ها نیز تناسب برقرار شود، می‌توان با حذف برخی از مطالب کم‌اهمیت یا با ادغام برخی از مباحث در یک‌دیگر یا با ادغام این مباحث در سایر فصل‌ها این کار را انجام داد.

در باره حجم بخش‌های مختلف کتاب و تعداد آن‌ها نیز باید گفته شود که فصل اول دو بخش دارد که بخش اول آن سیزده و بخش دوم نوزده صفحه است. فصل دوم چهار بخش دارد که بخش اول چهار، بخش دوم چهار، بخش سوم یازده، و بخش چهارم پنج صفحه است. فصل سوم هفت بخش دارد که بخش اول آن یازده، بخش دوم ده، بخش سوم دو، بخش چهارم سه، بخش پنجم شش، بخش ششم نه، و بخش هفتم هفت صفحه است. فصل چهارم چهار بخش دارد که بخش اول پنج، بخش دوم هفت، بخش سوم هشت، و بخش چهارم دوازده صفحه است. فصل پنجم چهار بخش دارد که بخش اول آن شش، بخش دوم یازده، بخش سوم ۲۸، و بخش چهارم هفده صفحه است. بنابراین، اثر حاضر در مجموع دارای پنج فصل و ۲۱ بخش است که پیش‌نهاد می‌شود بخش‌های کم‌حجم در هم ادغام شوند تا از تعداد زیاد بخش‌ها به‌ویژه بخش‌های کوچک کاسته شود.

۶.۴.۲ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی در اثر و ترجمه اشعار

در این کتاب، کلمات نه‌چندان زیادی وجود دارد که بهتر است معادل فارسی آن‌ها ذکر شود. از جمله کلمه «حاکمی» در سطر دوم زیر عنوان صفحه ۹۸ و کلمه «منبعث» در سطر سوم و کلمه «مکالماتی» در سطر ششم زیر عنوان صفحه ۲۲۷.

از سوی دیگر، اعلام و اصطلاحات لاتین موجود در متن کتاب به ذکر معادل نیاز دارد؛ زیرا آوردن معادل موجب می‌شود که مخاطب بتواند این اعلام را به‌آسانی تلفظ کند. نمونه‌هایی از این موارد در صفحات ۶۳، ۱۷۷، ۲۱۳، و ۲۱۷ آمده است.

درباره عنوان بالا نکته آخر این است که یکی از امتیازات کتاب مزبور ترجمه اشعار موجود در آن است. این امر به فهم اشعار و در نتیجه دریافت بیش‌تر تحلیل‌های کتاب کمک می‌کند و باعث می‌شود که مخاطب ارتباط بیش‌تری با اثر برقرار کند. با وجود این، در بعضی از موارد، شاهد ایرادات جزئی در ترجمه آیات هستیم؛ از جمله در بیت اول از صفحه ۱۱۲ که منظور از کلمه «أُحُد» کوه أحد است که به این صورت ترجمه نشده است. در واقع، این بیت به آیه قرآن کریم اشاره دارد که می‌فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ» (القارعه: ۵).

۷.۴.۲ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

قلم نویسنده کتاب سلیس و روان است و پیچیدگی ندارد؛ به عبارت دیگر، زبان نویسنده زبانی علمی و منطقی است؛ زیرا «زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که بر سر کلمات و ترکیبات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود» (سمیعی ۱۳۷۸: ۴۴).

نویسنده، با مراجعه و کاوش در منابع متعدد، مطالب پرفایده‌ای را با حجمی قابل قبول یعنی ۲۵۶ صفحه و در پنج فصل یک‌جا و به صورت آماده آورده و تلاش کرده است ضمن استفاده از آرای دیگران تحلیل‌های خوب و سودمندی را به مخاطب ارائه دهد. بی‌شک، چنین تلاش‌هایی از سوی پژوهش‌گران، از جمله این نویسنده، بار مراجعه و تحقیق در منابع مختلف برای یافتن مطالب را، آن هم از نوع تطبیقی که تنوع و تعدد منابع و جست‌وجوی فراوان را می‌طلبد، از دوش خواننده برمی‌دارد. وی تلاش کرده است، بدون جانب‌داری، به بررسی، تحلیل، و نقد اندیشه ابوالعلاء معری بپردازد. مقایسه و تطبیق بین اندیشه معری و اندیشه‌های سایر متفکران مورد بحث در این کتاب یعنی اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانتِه، و صادق هدایت نیز از سوگیری غیرعلمی به دور است.

۸.۴.۲ منابع اثر

نقد و بررسی منابع یک اثر یکی از معیارهای مهم نقد آن اثر به شمار می‌آید؛ زیرا «یکی از نکاتی که باعث غنای هر اثر پژوهشی است، بهره‌گیری از منابع دست‌اول و مشهور مربوط به موضوع است» (طالبی قره‌قشلاقی و بابازاده اقدم ۱۳۹۸: ۲۸۲) بر این اساس، «از مهم‌ترین کارهایی که پژوهش‌گران پس از انتخاب موضوع پژوهش خود انجام می‌دهند جست‌وجو، شناخت، و استفاده از منابع و مراجع مختلف برای گردآوری اطلاعات لازم درباره موضوع موردپژوهش است» (دلاور ۱۳۸۵: ۳۷-۳۸).

نویسنده در این اثر متناسب با مطالب کتاب از منابع معتبر کهن هم‌چون الشعر والشعراء از ابن قتیبه، الکامل فی التاریخ اثر ابن اثیر، و وفیات الأعیان از ابن خلکان، و منابع معتبر جدید از جمله ذکری ابی العلاء اثر طه حسین، الجامع فی اخبار ابی العلاء و آثاره، از محمد سلیم الجندی، و ابوالعلاء المعری الشاعر الحکیم اثر عمر فروخ استفاده کرده است. در بین منابع، آثاری به زبان فارسی هم به چشم می‌خورد که در واقع بیش‌تر این آثار ترجمه منابعی است که در اصل به زبان انگلیسی نوشته شده است؛ از جمله کمدی الهی از دانته، فراسوی نیک و بد اثر نیچه، و تاریخ فلسفه غرب از راسل.

در فهرست منابع کتاب، جای مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع و نیز منابع لاتین به زبان اصلی خالی است. علاوه بر این، پیش‌نهاد می‌شود که در فهرست منابع، مشخصات هر اثر به صورت کامل ذکر شود؛ از جمله شماره جلد یا جلدهای منابع استفاده شده در این کتاب. هم‌چنین در بخش منابع عربی، مشخصات اثر به همان صورت که در زبان عربی است بیاید؛ از جمله داشتن «ال» یا نداشتن آن و ... در کل، منابع کتاب از نظر زمان و زبان تنوع دارد.

۳. نتیجه‌گیری

- پژوهش حاضر بیان‌گر این است که نویسنده اثر خود را با قلمی سلیس و روان و با بهره‌گیری از یک زبان علمی و منطقی به رشته تحریر درآورده است.
- این کتاب دراصل با هدف آموزشی تألیف نشده است؛ بنابراین، ابزارهایی از جمله تمرین، نمودار، جدول، و تصویر ندارد، ولی دارای برخی دیگر از ابزارهای علمی از قبیل چهار فهرست، مقدمه، تقریض، پیش‌گفتار، خاتمه، و پانویس است.
- ارائه مطالب سودمند درباره ابعاد مختلف تشابه و تفاوت بین اندیشه‌های شخصیت‌های کتاب و نیز جذابیت‌ها و نوآوری‌های اثر باعث ایجاد انگیزه و رغبت در خواندن مطالب

- و پی‌گیری مباحث از سوی مخاطب می‌شود و بر جایگاه و اهمیت اثر به‌ویژه بر جنبه پژوهشی آن می‌افزاید و پژوهش مزبور را متناسب با نیازهای جامعه علمی و ادبی معاصر قرار می‌دهد.
- از مزایای کتاب مزبور این است که فصل‌های آن از مقدماتی به تکمیلی تنظیم شده است تا درنهایت به فصل تطبیق اندیشه معری با افکار دیگر اندیشمندان می‌رسد. در درون فصل‌ها نیز مطالب ابتدا به‌صورت مقدماتی می‌آید، سپس به مطالب تکمیلی پایان می‌پذیرد.
- نویسنده، ضمن کاوش در منابع متعدد، فقط به نقل صرف آرای دیگران بسنده نکرده، بلکه سعی کرده است، در پرداختن به مسائل ادبی، تحلیل‌های خوب و سودمندی را در اختیار مخاطب قرار دهد.
- مؤلف تلاش کرده است، بدون جانب‌داری، به بررسی، تحلیل، و نقد اندیشه ابوالعلاء معری بپردازد. تطبیق بین اندیشه معری و سایر متفکران موردبحث در این اثر یعنی اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت نیز از سوگیری غیرعلمی به‌دور است.
- کتاب حاضر برای دروس گوناگون دانشگاهی در مقاطع مختلف رشته زبان و ادبیات عربی، به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی، می‌تواند کاربرد آموزشی داشته باشد؛ هرچند کاربرد پژوهشی آن به‌مثابه منبعی برای پژوهش‌های ادبیات تطبیقی به‌ویژه تطبیق اندیشه معری با اندیشه‌های متفکران جهان بر کسی پوشیده نیست.
- در این کتاب، برخی از نارسایی‌های نگارشی، ویرایشی، و محتوایی دیده می‌شود که رفع این موارد می‌تواند بر ارزش و سودمندی آن بیفزاید. این نارسایی‌ها به‌هیچ‌وجه از اهمیت و ارزش کار نویسنده نمی‌کاهد؛ زیرا وی تلاش‌های قابل‌تقدیری داشته و توانسته است اثری سودمند را به جامعه علمی و ادبی عرضه کند.

۴. پیش‌نهادهای

- هرچند در متن مقاله پیش‌نهادهای راه‌کارهایی مطرح شد، برای این‌که بر ارزش و اهمیت کتاب حاضر افزوده شود، درکنار رفع نارسایی‌ها، برخی از پیش‌نهادهای در این‌جا می‌آید:
۱. هدف از نگارش کتاب به‌صورت واضح در مقدمه آن بیاید؛

نقد و بررسی کتاب ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی (علی اصغر روان شاد) ۱۰۳

۲. برپایه هدف یا اهداف نگارش کتاب، سؤالات یا فرضیاتی صریح و روشن طرح شود؛
۳. مباحث کتاب، توضیحات، و تحلیل‌های آن نیز براساس سؤالات یا فرضیات تنظیم و تکمیل شود؛
۴. در آخر کتاب، نتایج آن به صورت جذاب و واضح بیاید. علاوه بر نتایج، پیش‌نهاداتی روشن برای سایر پژوهش‌گران این عرصه ذکر شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابوالعلاء معری (۳۶۳-۴۴۹ ق) در معرّه دیده به جهان گشود. او در کودکی به علت بیماری آبله دچار نابینایی شد. ابوالعلاء اصول اولیه علم را از پدرش فرا گرفت. پس از آن، با سفر به شهرهای مختلف از جمله حلب، انطاکیه، لاذقیه، طرابلس، و بغداد و استفاده از کتاب‌خانه‌های آن شهرها و شرکت در مجلس علم و ادب به دانش‌اندوزی ادامه داد. این شاعر و اندیشمند مشهور عرب آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته است؛ از جمله *سقط الزند*، *اللزومیات*، *الفصول والغايات* و *رسالة الغفران* (الفاخوری ۱۳۸۰: ۶۷۸-۶۷۹).
۲. اپیکور (Epicure 341-271 BC) در یونان به دنیا آمد. او شیفته فلسفه بود و این دانش را نزد استادان آن روزگار فراگرفت. این فیلسوف یونان باستان مکتب لذت‌گرایی را بنا نهاد که در آغاز با دشمنی خاص و عام روبه‌رو شد (حسن‌زاده میرعلی ۱۳۸۹: ۲۶-۲۷). براساس نظر اپیکور «لذت مبدأ و غایت حیات سعادت‌مندانه است» (برن ۱۳۵۷: ۱۰۴). وی آثار متعددی از جمله نامه به هردوت در باب طبیعت، *مواعظ اساسی و اصولی*، و *هشتادویک پند و اندرز* از خود باقی گذاشت (حسن‌زاده میرعلی ۱۳۸۹: ۲۷).
۳. آرتور شوپنهاور (Arthur Schopenhauer 1788-1860) در لهستان چشم به جهان گشود. پدر او بازرگان و مادرش نویسنده بود. وی، پس از سفرهای بسیار، سرانجام در شهر فرانکفورت آلمان ساکن شد. او فلسفه خردمندانه هگل (Hegel) را مخالف فلسفه بدینانه خود، که متافیزیک اراده بود، به‌شمار می‌آورد و اخلاق کانت را تلاشی بیهوده می‌دانست. مهم‌ترین آثار این فیلسوف برجسته عبارت است از *ریشه چهارگانه قضیه دلیل کافی*، در باب *دیدن و رنگ‌ها*، *جهان به صورت اراده و تصور*، *درباره اراده در طبیعت* و *مجموعه نوشته‌های کوچک و متمم* (ذاکرزاده ۱۳۸۶: ۷-۱۱).
۴. فریدریش ویلهلم نیچه (Friedrich Wilhelm Nietzsche 1844-1900) در آلمان متولد شد. پدرش کشیش بود. وی در محیطی دینی و زنانه با مادر، خواهر، مادر بزرگ، و دو عمه بزرگ شد. نیچه،

پس از تحصیل در دبیرستان، به دانشگاه رفت تا الهیات و فلسفه بخواند، اما بعد از مدتی به رشته زبان‌شناسی تاریخی روی آورد (کاپلستون ۱۳۶۷: ۳۸۱). این فیلسوف و شاعر آلمانی آثار متعددی از جمله *زایش تراژدی*، *فراسوی نیک و بد*، *تبارشناسی اخلاق*، و *چنین گفت زرتشت* دارد (پامر ۱۳۸۸: ۳۳۲).

۵. دانته الیگیری (Dante Alighieri 1265-1321) در ایتالیا به دنیا آمد. خانواده او نجیب‌زاده و اهل سیاست بودند. وی در دانشگاه به تحصیل در علوم دینی و فلسفه پرداخت. دانته شاعر و اندیشمندی بود که در *کمدی الهی* جنبش‌های فکری و کوشش‌های عقلی دوران گذشته و روزگار خود را می‌ستاید یا از آنان انتقاد می‌کند. او بزرگان معاصر و پیش از خود را در عالم خیال می‌بیند و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند که این امر بیان‌گر دانش و احاطه علمی و ادبی وی است (توحیدی فر ۱۳۹۶: ۲۱۷).

۶. صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ش) نویسنده، داستان‌نویس، و مترجم ایرانی در خانواده‌ای ثروت‌مند و صاحب‌منصب چشم به جهان گشود (همان: ۲۱۷). او پس از پایان تحصیل در دارالفنون و مدرسه فرانسوی سن‌لویی در سال ۱۳۰۰ ش به‌همراه عده‌ای از دانشجویان به فرانسه فرستاده شد و پس از بازگشت به ایران به شغل‌های متفاوتی پرداخت. وی با تألیف *رمان بوف کور* و سایر آثار داستانی خود از جمله *سگ ولگرد* و *زنده به‌گور* در عرصه داستان‌نویسی معاصر به شهرت رسید، به طوری که آثارش به چندین زبان ترجمه شد (یاحقی ۱۳۷۶: ۱۹۸). «او با تفکری پوچ‌گرا هستی را نظاره می‌کرد و در داستان *آفرینگان* این پوچی را به‌زیبایی به‌تصویر می‌کشد» (توحیدی فر ۱۳۹۶: ۲۱۸).

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- اکبری تبار، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ای در باب فرایند طراحی جلد کتاب؛ به‌همراه نتایج نظرسنجی درمورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات *سوره مهر*»، کتاب مهر، ش ۵.
- برن، ژان (۱۳۵۷)، *فلسفه اپیکور*، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران: امیرکبیر.
- پامر، دونالد (۱۳۸۸)، *نگاهی به فلسفه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- توحیدی فر، نرجس (۱۳۹۶)، *ابوالعلاء معری در بوتۀ نقد ادب تطبیقی*، تهران: شفیعی.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۸۹)، «بن‌مایه‌های لذت‌گرایی در شاهنامه و تأثیرپذیری از افکار اپیکوریستی»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، س ۱، ش ۱.
- حیدری، غلامرضا (۱۳۸۰)، *آیین نگارش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- الخطیب، حسام (۱۹۹۹)، *آفاق الأدب المقارن عربیاً و عالمیاً*، دمشق: دارالفکر.

نقد و بررسی کتاب ابوالعلاء معری در بوته نقد ادب تطبیقی (علی اصغر روان شاد) ۱۰۵

- دلاور، علی (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: پیام نور.
- ذاکرزاده، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، فلسفه شوینهاور، تهران: الهام.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «راه‌کارهایی برای سودمندسازی نقد کتاب»، آینه پژوهش، س ۲۰، ش ۱، پیاپی ۱۱۵.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸)، نگارش و ویرایش، تهران: سمت.
- سیاوشی، صابره (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترجمه کتاب تاریخ ادبیات عربی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۲، ش ۲.
- طالبی قره‌قشلاقی، جمال و عسکر بابازاده اقدم (۱۳۹۸)، «نگاه انتقادی به کتاب انواع شعر عربی و سیر تطور آن»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۹، ش ۸.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۰)، راهنمای ویرایش، تهران: سمت.
- غویار، ماریوس فرانسوا (۱۹۵۶)، الأدب المقارن، ترجمه محمد غلاب، القاهره: لجنة البیان العربی.
- الفاخوری، حنا (۱۳۸۰)، تاریخ الأدب العربی، تهران: توس.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه (از فیتشه تا نیچه)، ترجمه داریوش آشوری، ج ۷، تهران: علمی و فرهنگی و سروش.
- ملک‌نابت، مهدی (۱۳۹۰)، به‌نویسی (راهنمای درست‌نویسی و ویرایش متن)، یزد: دانشگاه یزد.
- مؤسسه خانه کتاب (۱۳۸۶)، کتاب نقد و نقد کتاب، تهران: خانه کتاب.
- وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۸۹)، مشخصات کلی، برنامه آموزشی، و سرفصل دروس بازنگری‌شده، دوره کارشناسی پیوسته، رشته زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات.
- وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۹۴)، برنامه درسی بازنگری‌شده، دوره دکتری تخصصی، رشته زبان و ادبیات عربی، گروه علوم انسانی.
- وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۹۶)، برنامه درسی، دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، رشته ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۶)، چون سوی تشنه، تهران: جامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی